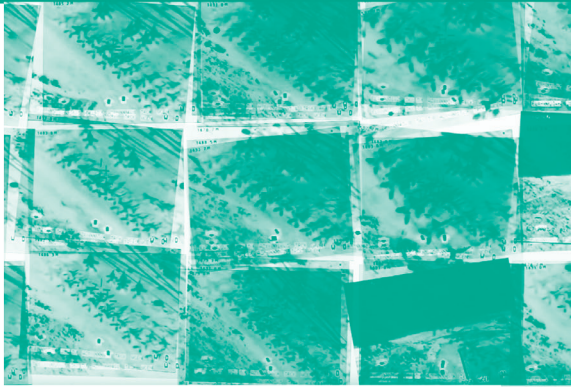


خط

will flee before the scenery



وط



خود ساخته

خطوط خودساخته

پروژه‌ای از آرشیو ویدیویی پارکینگ و جامعه‌ی نیومدیا با همکاری گالری آران

متن‌ها و تصاویر از آناهیتا حکمت، ساناز سهرابی، سونا صفایی سوره، سارا عباس نژاد، ژاله نساری،
نبراس هویزاوی، نگار یغماییان و **امیرعلی قاسمی**
ترجمه‌ها از بهار احمدی فرد

طراحی نشریه استودیو دیزاین را

نظارت بر امور فنی چاپ استودیو طبل < حسین سلطانی

با تشکر ویژه از

نازیلا نوع بشری، شیرین ملت گهر و تیم خوب پروژه‌های آران، بهار احمدی فرد، پروژه‌های نیومدیا،
گالری هینترلند، گودرون والن بک، هستی آریا، مزدک عیاری، نسترن صفایی، سمیرا علیخانزاده
و آقای کمالی

پروژه‌ای از آرشیو ویدیویی پارکینگ
و جامعه‌ی نیومدیا

پروژه‌های آران
خیابان نوفل‌لوشاتو، کوچه لولاگر، پلاک ۵
افتتاحیه اول مرداد ۱۴۰۰
اختتامیه ۱۱ مرداد ۱۴۰۰

هنرمندان پروژه (به ترتیب الفبا):
آنهیتا حکمت | ساناز سهرابی | سونا صفایی سوره | سارا عباس نژاد | ژاله نساری |
نبراس هویزاوی | نگار یغماییان

به انتخاب: امیرعلی قاسمی

AARAN PROJECTS



hinterland
galerie

خطوط خودساخته، پروژه‌ای از آرشیو ویدیویی پارکینگ و جامعه‌ی نیومدیا، به انتخاب امیرعلی قاسمی است که کارهای هفت هنرمند «لنز-محور» را، که هر یک ساکن گوشه‌ای از دنیا است، گرد هم می‌آورد. این پروژه در پاییز زمستان ۱۳۹۹ در دو بخش پیاپی در گالری هینترلند، وین برگزار شد و اکنون با همکاری و مشارکت پروژه‌های آران در ایران به نمایش در می‌آید.

رویکرد تحقیق محور و نگاه منحصر به فرد هنرمندان پروژه در طرح روایت‌های خرد و کلان، کردوکار رسانه‌های جمعی، چگونگی بازنمایی دیگری و روند خاموش حاشیه‌سازی را به چالش می‌کشد و مرزبندی میان داستان شخصی و فضای صمیمی را و امر سیاسی - اجتماعی و فضای جمعی محو می‌کند.

استفاده از منابع مختلف، مانند بایگانی مطبوعات، تکه فیلم‌های پیداشده، مصاحبه‌های از پیش موجود در بایگانی‌های عمومی تا به کارگیری کلاژ و مدل‌های سه بعدی و قرارگیری آن‌ها در چشم‌اندازی چندوجهی سبب شده تا گهگاه شاهد انعکاس هم‌زمان افسانه و واقعیت‌های قطعه‌قطعه شده باشیم.

هرچند مهم‌تر آن است که دریچه‌ی لنز این هنرمندان خطوط مبهم و گریزان تبعیض و عادی‌سازی را ثبت می‌کند و همین ابهام موجود در تصورات ایشان، این امکان را فراهم کرده تا در عین نشان دادن آسیب‌پذیری نظام‌های موجود، از جنبه‌ی چرخه‌ی نوستالژی بیرون آیند.

شعرهای تصویری و مشاهدات بدیع هنرمندان این نمایشگاه، طیفی گسترده از دغدغه‌ها را به نمایش می‌گذارد.

«متنی برای تصویرهای بی‌اساس» ساناز سهرابی، آن دسته از شاخص‌های احساسی را تجزیه و تحلیل می‌کند که سامانه‌های نظامی و رسانه‌ای با اتکا به آن، روایتی همگن از تروما و جنگ را به حرکت درآورده و به آن استمرار می‌بخشند. مصاحبه‌های جمع‌آوری شده از کهنه سربازان آمریکایی جنگ خلیج فارس و درج شخصیتی خیالی باعث می‌شود عدم قطعیت و وجه پرفورماتیو مصاحبه به عنوان ابزاری برای بازاندیشی و یادآوری خاطرات آشکار شود.

پروژه‌ی در جریان سونا صفایی سوره با عنوان «گردان» از مسیر کمیک استریپ، انیمیشن و تبلیغات مجلات، تاریخ نیمه استعماری صنعت نفت در ایران را مرور می‌کند. توگویی با پروپاگاندا‌ی جدیدی برآمده از تبلیغات بریتیش پترولیوم در دهه‌ی پنجاه میلادی روبرویم که حاوی پیچ‌وخم‌های خاورمیانه و فیگورهای ساختگی از تاریخ معاصر است.

بخش‌هایی از ویدیو / مقاله با عنوان «بجگونه تاریخ را پشت سر بگذاریم و از هرروز زیستن دوباره‌ی آن امتناع کنیم؟» ساخته نراس هویزاوی، در کنار آثار کلاژ «تلاشی برای خواندن مطبوعات غربی» منطری آشنا و در عین حال ناشناخته را خلق می‌کند که از شعر و تاریخ بدیل الهام پذیرفته است.

زندگی روزمره و مرز ظریف میان کودکی و بزرگسالی با نگاهی حساس به نابرابری‌های جنسیتی از طریق لنز دوربین سارا عباس نژاد نمایش داده می‌شود.

فضای صمیمی / ذهنی فضای خانه و گلخانه آن در ویدیوی آناهیتا حکمت نمود می‌یابد و گذشته‌ی امروز و آینده‌ی محتمل روزگار گذشته را در هم می‌آمیزد.

مرزهای جغرافیایی زمانی برای پیشرفت انسان حیاتی بودند و اکنون با سرعتی باورنکردنی در حال تغییر هستند؛ اکنون با فراگیری خطوط کشتی‌های اقیانوس پیما، حمل و نقل منطقه‌ای فرامرزی که سایه‌ی پررنگش همواره بر امکان جابه‌جایی و پویایی انسان و بقایش در طی نسل‌ها انکارناشدنی است، در معرض منسوخ شدن و فراموشی قرار گرفته است. «بوی خاک و درخت» نگار یغمائیان، عکس، نقشه و سایر داشته‌های ارزشمندی را جمع‌آوری می‌کند که با آن‌ها بتواند از نو این داستان‌ها را تجسم کند، چرا که بسیاری‌شان ناگفته باقی مانده‌اند.

ویدیوی ژاله نساری در مورد آینده‌ی این سیاره‌ی آبی، با کنار هم گذاشتن فیلم‌های یافت شده ذیل هشتگ #صدای-زمین ساخته شده است. گویا هر اندازه که نسبت به صدمات غیرقابل جبرانی که به زمین تحمیل کرده‌ایم، بدانیم، آینده‌ی زمین سهمناک‌تر به نظر می‌رسد. کنشگری‌های هنری - محیط زیستی بعضی کاربران شبکه‌های اجتماعی...، اغلب ناهمخوان است با سبک زندگی و طریقی که برای نمایش برداشت‌های هنری‌شان از این بحران برگزیده‌اند.

در آخر، خطوط ترسیم شده - چه پررنگ شوند و چه محو، چه نزدیک بیابند و چه دور شوند - به تصویرهایی فردی، طبیعی، سرگرم‌کننده و ترسناک تبدیل شده‌اند: ردپاهایی کمیاب که در قاب‌ها ثبت شده‌اند.

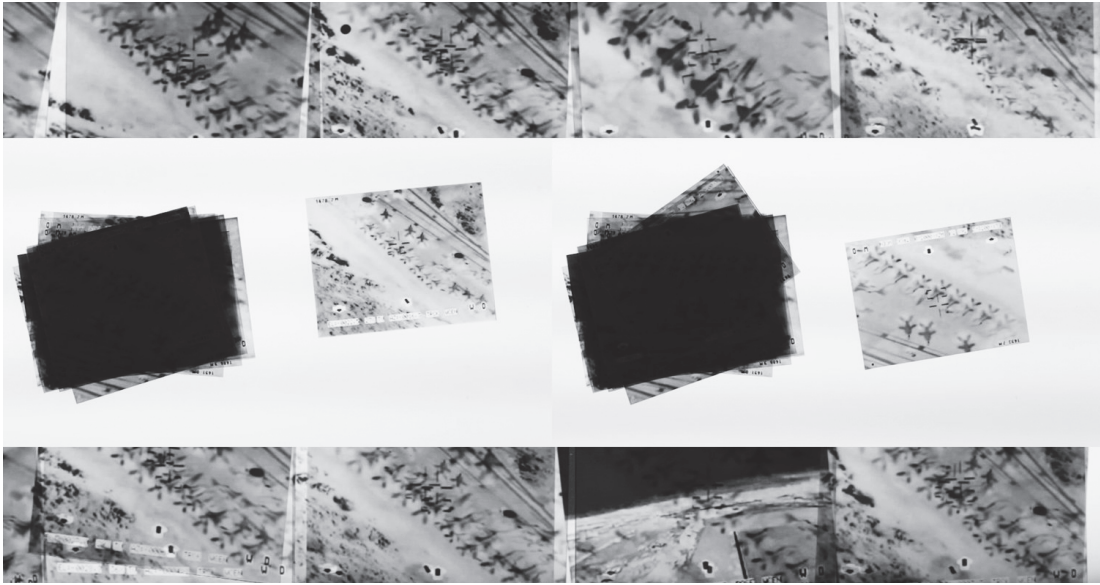
متنی برای تصویرهای بی اساس

ساناز سهرابی

ویدئو ۱۳:۲۵

۱۳۹۷

متنی برای تصویرهای بی اساس، آن دسته از شاخص‌های احساسی را تجزیه و تحلیل می‌کند که سامانه‌های نظامی و رسانه‌ای با اتکا به آن، روایتی همگن از تروما و جنگ را به حرکت درآورده و به آن استمرار می‌بخشند. متنی برای تصویرهای بی اساس، که عمدتاً با اطلاعات بایگانی‌شده در پروژه «میراث ویدیویی کهنه سربازان کتابخانه کنگره» نوشته و تدوین شده است، بیش از هر چیز بر مصاحبه‌های جمع‌آوری‌شده از کهنه سربازان آمریکایی جنگ خلیج فارس متمرکز است. پروژه میراث ویدیویی کهنه سربازان کنگره ایالات متحده شامل مجموعه‌ای در جریان از مصاحبه‌های ویدیویی است که عمدتاً توسط اعضای خانواده کهنه سربازان یا مؤسسات آموزشی مختلف اهداشده‌اند. متنی برای تصویرهای بی اساس، مصاحبه را همچون نوعی امضای اختصاصی در بازنمایی جنگ در رسانه‌ها می‌داند، نوعی بازنمایی که با استفاده از تصاویر و بایگانی‌های شخصی افراد، در مقام "یادگار"ها به پیشبرد روایت غالب کمک می‌کند. این مصاحبه‌های ویدئویی خود بقایای یک بایگانی هستند که حاوی اشکال دیگری از قطعات بایگانی‌شده مانند عکس‌ها و دست‌ساخته‌های مختلفی است که کهنه سربازانی که با آن‌ها مصاحبه شده در طول درگیری‌شان در جنگ جمع کرده‌اند. برای این پروژه، من با یک بازیگر بداهه‌پرداز کار کردم تا مصاحبه‌های کمی بسازم که متد و محتوای خود را از همین بایگانی ویدیویی گرفته است. قرض از این کار، آن بود که بتوانم داستانی موازی جعل کنم و آن را در قسمت بزرگ‌تری از بدنه این بایگانی‌های ویدئویی جاسازی کنم. متنی برای تصویرهای بی اساس، از یک داستان منسجم، که یکی از اهداف پروژه میراث کتابخانه کنگره است، جدا می‌شود تا عدم قطعیت و پرفورمانتی مصاحبه را به‌عنوان ابزاری در خدمت ساخت حقیقت و احیای حافظه افشا کند.



Script for Groundless Images | Sanaz Sohrabi | Video | 13: 25 | 2018

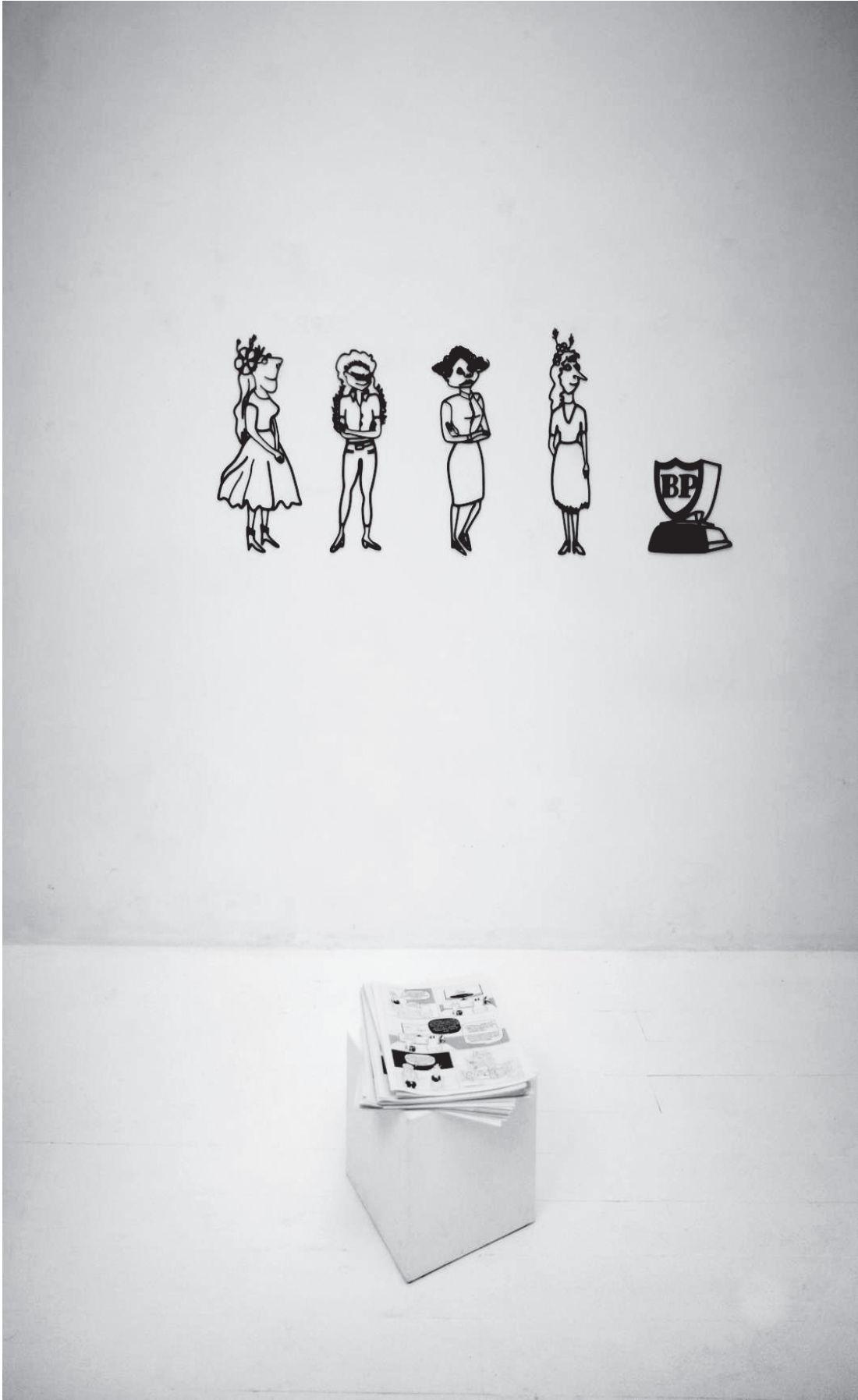
گردان

سونا صفایی سوره

چیدمان: مجسمه، ویدیو و روزنامه

۱۳۹۹ تا کنون

«گردان» یک پروژه هنری چندرسانه‌ای است که تاریخچه نیمه استعماری صنعت نفت ایران را مورد بازبینی قرار داده است. بخشی از کار، قالب کمیک استریپ‌هایی را می‌گیرد که در گذشته در روزنامه‌های نیم قطع و مصور چاپ می‌شدند. این بخش در صدد است تا سرگذشت ملی شدن صنعت نفت ایران را با مسائل سیاسی حال حاضر قیاس کند. کاراکترهای کمیک نمایش داده شده، از تبلیغات کارتون / طراحی مانند رونالد سرل برای کمپانی بریتیش پترولیوم در سال‌های دهه پنجاه میلادی الهام پذیرفته‌اند. سونا صفایی به بازسازی و شخصیت‌پردازی کاراکترهای سرل پرداخته و داستان زندگی‌ای این شخصیت‌ها را در عصر امروز به تصویر کشیده است. شخصیت‌های خیالی این مجموعه در حقیقت نوادگان کاراکترهای رولاند سرل هستند که در زمان معاصر در آمریکای شمالی ساکن می‌باشند. گفتگوی بین این کاراکترها برای این نمایشگاه به شکل نسخه‌ی روزنامه‌ای به چاپ رسیده است. صفایی در «گردان» به علاوه از ویدیو استفاده می‌کند تا داستان‌هایش را به طور موازی در زمان حال و گذشته پیش برد. در ویدیو کلاژ کوتاهی صفایی قسمتی از گزارش تهیه شده از مهندسان و کارمندان کمپانی بریتیش پترولیوم در دهه‌ی بیست و سی شمسی را در کنار قسمتی از کارتون سیندرلا قرار می‌دهد تا نمونه‌ای از چگونگی اجرای طرح‌های توسعه‌گرا و دموکراسی خواه در کشورهای مستعمره و شبه مستعمره را به نمایش بگذارد.



Revolving | Sona Safaei Sooreh | Sculpture, Video, and Newspaper | 2020 - Ongoing

Photo by Jakoblinder.com - 2020

چگونه تاریخ را پشت سر بگذاریم و از هرروز زیستن دوباره‌ی آن امتناع کنیم؟

نبراس هویزاوی

تکه‌هایی از یک فیلم / مقاله در حال ساخت

۱۳۹۹ تا کنون

از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ (۲۰۱۵-۲۰۱۰) شروع به مطالعه نظرگاه نیویورک تایمز درباره درگیری‌های خاورمیانه کردم. صفحات مربوط به اخبار، هنر و خاورمیانه را جمع‌آوری کردم. بهار عربی تازه آغاز شده بود و من دانشجوی هنر انستیتوی هنر کالیفرنیا (کل‌آرتز) بودم و درس علوم سیاسی را به‌عنوان بخشی از برنامه‌ترم پاییزم برداشته بودم تا واحدهایم را پر کرده باشم. ما مجبور بودیم مجله نیویورک تایمز را بخوانیم، نقش سیاست را درک کنیم و آن را با تاریخ مقایسه کنیم. سؤالی که در این مدت پیش می‌آمد این بود که شما چگونه بهار عربی را با انقلاب ۱۳۵۹ مقایسه می‌کنید. من انقلاب را از کتاب‌ها یا رسانه‌ها یا مجلات می‌فهمم، اما چگونه می‌توانید تاریخی را که در آن زندگی نکرده‌اید را بشناسید؟ من شروع به فراموش کردن تاریخ کردم و در عوض سال ۱۳۸۹ را به‌عنوان مبدأ تاریخ انتخاب کردم. نمی‌دانستم چه موقع از جمع‌آوری «تاریخ» دست بردارم اما قطعاً روزی به نتیجه می‌رسید. سرانجام سال ۱۳۹۴ نقطه عطفی شد که تاریخ و زمان باید متوقف می‌شد، تا یک تاریخچه ساخته شود. بعد از پنج سال در سال ۱۳۹۹ کار کردن دوباره روی این پروژه را شروع کردم. این در حالی بود که بسیاری از چیزها تغییر کرده بود و برخی از تصاویر هم ثابت مانده بودند. من به زمان نیاز داشتم تا تصاویر «Times» را درک می‌کردم. از همین رو بود که موقعیت زندگی و استودیوی خود را به خاورمیانه تغییر دادم و با هنرمندان و آدم‌هایی همکاری کردم تا روایت‌های مختلفی را که در این پروژه نوشته / ساخته‌ام را، با صدای خود بخوانند. با استفاده از تصاویر ثابت و متحرک، یک مقاله تصویری ساختم.

این فیلم-مقاله با الهام از شعر و تاریخ ساخته شده است. این پروژه شامل دوازده متن شاعرانه است که توسط افراد مختلف خوانده و ضبط شده است. هر شعر برای یک عکس / تصویر نوشته شده است و این تصاویر از زمان‌ها و مکان‌های مختلف در خاورمیانه انتخاب شده‌اند.

شعرهای انگلیسی / فارسی با استفاده از کلاژ متن مقالات خبری نیویورک تایمز ساخته شده‌اند. پروژه‌ی جمع‌آوری قطعات منتشرشده در روزنامه نیویورک تایمز در بازه زمانی که در ایالات متحده دانشجوی بودم، تلاشی بود برای سکونت و تنفس «حال و هوای خاورمیانه». با مشاهده از راه دور آنجا می‌خواستیم جایی را که از آن آمده بودم به خاطر بسپارم. و در پایان، به نقطه‌ای رسیدم که می‌دانستم من آن قدر «زندگی» کرده‌ام که نسخه خودم را از یک اخبار تخیلی، به‌عنوان نوعی تاریخچه‌ی بدیل برای آینده به جا بگذارم.

برای من، نیویورک تایمز یک تاریخ مصور و مکتوب بود که آن را همه زندگی کردیم، این فیلم-مقاله سعی دارد برای تقویت خاطره در ذهن به‌مرور دوباره‌ی آنچه گذشت بپردازد، اما حالا راوی کس دیگری است: کسی که عکس‌های خود را گم کرده و بارها می‌پرسد چگونه زمانی جنگ را خود زیسته است؟



How to Leave the History Behind and Refuse to relive it Every Day?
(Fragments of an ongoing Film essay) | Nebras Hoveizavi | 2020

تلاشی برای خواندن مطبوعات غربی

نبراس هویزاوی

عکس/کلاژ

۱۳۹۳

این پروژه با جمع‌آوری تصاویر و نوشته‌هایی از مجله‌ی نیویورک تایمز، در طی مدت چهار سال شکل گرفت. در این پروسه متوجه شدم در بازنمایی اخبار مرتبط با خاورمیانه، انتخاب به‌خصوص «تصاویر» غالباً بر «نوشته‌ها» چیره شده‌اند. تلاش کردم تا با خلق شخصیت‌هایی ناشناخته بر مبنای منتخبی از مقالات امکان روایت‌هایی پدید آید که پیش‌تر به تصویر کشیده نشده‌اند. نوعی بازخوانی به‌دوراز مرزبندی‌های رایج متن‌ها و لغات مصطلح و ویراستاری. نوعی بازتعریف از تاریخی فرضی، «تاریخی» که «گذشته» نیست بلکه همین حالا در حال حادث شدن است. با وجود اینکه چندی از «وقوع» آن گذشته، اما مترصد فرصتی است تا دوباره در معرض نگاه قرار بگیرد.

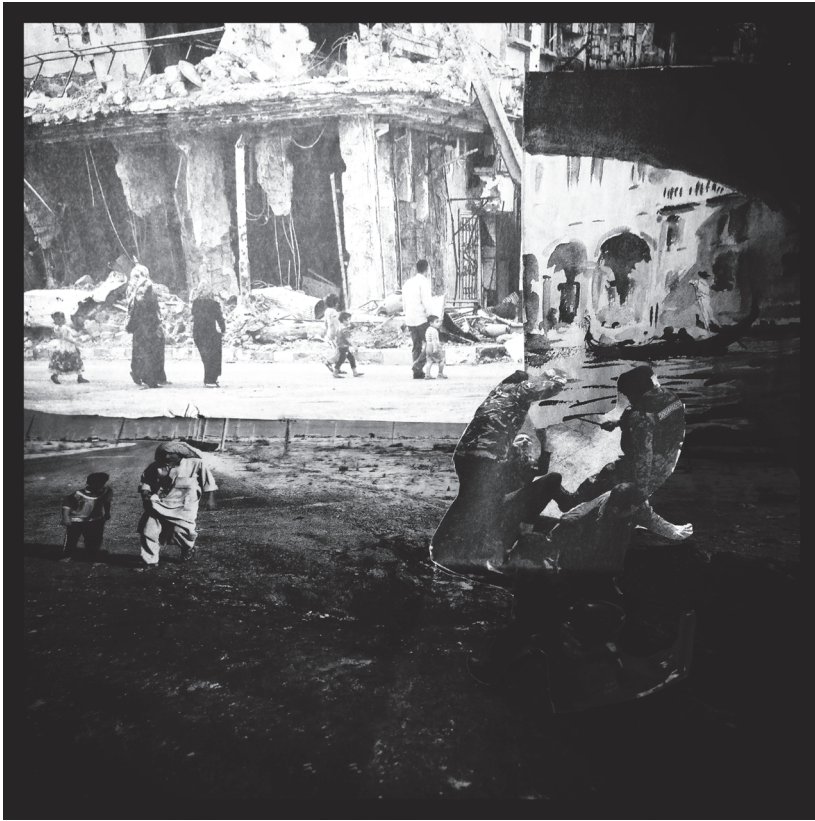
خانه‌ی سبز

آناهیتا حکمت

ویدئو ۰۸:۰۰

۱۳۹۸

«خانه‌ی سبز»، در خانه‌ی کودکی آناهیتا حکمت در تهران فیلم‌برداری شده است. هسته معماری و ارگانیک این خانه، گلخانه آن است. با گیاهان این گلخانه همچون حافظان زندگی جاری در خانه برخورد و رفتار می‌شود. روایت این فیلم مانند اسطوره‌های خاستگاهی بر ساخت شده است - روایتی که گیاهان چندساله خانه را، حاوی خاطراتی از مکان و دارای توانایی انتقال این خاطرات و داستان‌ها به نسل‌های بعدی می‌داند.



Trying to Read Western Press | Nebras Hoveizavi | Photo Collage / Installation | 2014



Green Home | Anahita Hekmat | Video | 08:00 | 2019

#صدای_زمین

ژاله نساری

ویدئو ۱۲:۳۰

۱۳۹۹

مردم در شبکه‌های اجتماعی تصاویر و صداهایی را که به زعم آن‌ها به «صدای زمین» مربوط است، به اشتراک می‌گذارند. این تصاویر و صداها از نظر آن‌ها «زیبا»، «خلاقانه» و «هنرمندانه» اند؛ بنابراین ارزش به اشتراک گذاشته شدن را دارند. اما زمین صداهای دیگری دارد که مورد توجه اغلب مردم نیست. صداهایی که مثل زنگ خطری، از شتاب گرفتن بحران‌های زیست‌محیطی خبر می‌دهد.



#Earthsound | Jaleh Nesari| Video| 12:30 | 2019

بوی خاک و درخت

نگار یغمائیان

مجموعه عکس

۱۳۹۹

سنت دیرینه‌ی تجارت دریایی در خلیج فارس مدت‌هاست که پایان یافته است. حالا دریانوردان پیر خاطره‌ی سفرهای دریایی را به سواحل هند و آفریقا به یاد می‌آورند؛ زمانی که باد موافق جهازها را می‌راند و آسمان راهنمای سفرشان بود.

از آن سال‌ها، سفرهای «گپ» و تجارت پررونق‌اش داستان‌های بی‌شمار سینه‌به‌سینه نقل می‌شود اما صحبت از زندگی شخصی و پیوندهای خانوادگی به حاشیه رانده شده است.

سفرهای دور و دراز و توقف‌های طولانی در بندرگاه‌ها زمینه‌ی ازدواج میان دریانوردان ایرانی و زنان هندی را فراهم کرد و به دنبال آن خانواده‌های دومیته‌ی شکل گرفت. خانواده‌هایی که دیدارشان به موسم سفر و جریان باد وابسته بود. گذر زمان اما سرنوشتی دیگر برای آن‌ها رقم زد. با زوال تجارت دریایی رفت‌وآمدها و دیدارها سخت و گاه ناممکن شد.

من این مجموعه را در تلاش برای یافتن ردی از گذشته شروع کردم؛ در میان عکس‌ها، اشیاء به‌جامانده و خاطرات تلخ و شیرین آن روزها. آنچه مرا به پرداختن به این موضوع ترغیب کرد نه تنها بازگویی وضعیت اجتماعی آن دوران بلکه میل شنیدن داستان‌هایی شخصی‌تر و احساسی‌تر بود. احساساتی از جنس عشق، غم، امید و انتظار که مجال بروز پیدا نکرده بودند.

عکس‌های این مجموعه به ابهام و تخیل خاطره‌ها وفادارند؛ نیم‌نگاهی به اشیاء، مکان‌ها و مردمی که بخشی از این سرگذشت هستند. همچون بارقه‌ای از لحظات که داستانی آشنا روایت می‌کنند.



The Smell of Earth and Tree | Negar Yaghmaian | Photo Series | 70x104 | 2020

خیلی دور، خیلی نزدیک

سارا عباس نژاد

مجموعه عکس در جریان

۱۳۹۸ تا کنون

وقتی دختر بچه‌ای ده‌ساله بودم کارتون پری دریایی را دیدم، زنی زیبا و باریک اندام و جذاب که در رابطه‌ای عاشقانه زندگی‌اش و بعضی ویژگی‌های حیاتی‌اش را برای همیشه به خاطر بودن با دیگری تغییر می‌داد. تصاویر عاشقانه کارتون پری دریایی مرا مسحور خود کرد و این اولین مواجهه‌ای است که به‌عنوان یک زن با جهان در خاطرمان مانده است.

سال‌های جوانی‌ام در رابطه‌های عاشقانه‌ای گذشت که به‌رغم ظاهری برابر و آزاد و ادعای استقلال از دیگری، در آن‌ها همیشه از خودم دور شدم و به دیگری و فضای موردعلاقه‌ی او نزدیک شدم و این یک اتفاق یک‌طرفه بوده است، دور شدن از سینمای موردعلاقه‌ام، موسیقی موردعلاقه‌ام و دوستانم به خاطر دوست داشته شدن و ترس از طرد شدن بود. پیشرفت‌های فردی‌ام در تعلیق قرار می‌گرفت و در پیشرفت پارتنرم شریک می‌شدم تا همراه مناسب‌تری باشم و هر زمان غیر از این بودم حس قصور و عذاب وجدان به سراغم می‌آمد. هدف من ازدواج و شراکت در زندگی‌ای بود که قرار بود توسط دیگری و به حمایت من ساخته شود و تنها ماندن بسیار ناامیدکننده به نظر می‌آمد اما این همراهی برایم رضایت به ارمغان نیاورد و مرا به سمت افسردگی و تنهایی عمیق‌تری سوق داد.

امروز که به سال‌ها تجربه عاشقانه‌ام نگاه می‌کنم آن را بی‌شبهت به کارتون دوران کودکی‌ام نمی‌بینم که بخش‌های پنهان زندگی من را تشکیل می‌داد. مجموعه‌ی این تجارب و احساسات من را نسبت به وضعیت زنان و آنچه زنانگی در جامعه‌ام تعریف می‌شود دچار حساسیت ویژه‌ای کرد، من هر روز زنانی را می‌دیدم که از استقلال و آزادی حرف می‌زدند اما وقتی دقیق‌تر می‌شدم رفتارهایشان نتیجه انکار خودشان بود و احساسات و آرزوهایشان در دنیای دیگری ترسیم می‌شد و زندگی‌شان در سایه‌ی دیگری فرومی‌رفت. رفتارهای متفاوت با آنچه از زنان و زنانگی‌شان انتظار می‌رفت برایشان با ترس و تردید همراه بود. دختر بچه‌ها نیز با اغراق در بازنمایی خودشان و تنش‌ها و درگیری با فانتزی‌هایی که زندگی‌شان را پر کرده بود مرا بیشتر به یاد دوران کودکی‌ام می‌انداخت که امروزه در زندگی آن‌ها حتی اغراق‌آمیزتر هم به نظر می‌آمد. از جایی که بعد زندگی در این فضا برایم سخت و زجرآور شد. تصمیم گرفتم با دوربینم به سراغ زنان کوچک و بزرگ جامعه‌ام بروم و در محیط‌های مختلفی نظیر خیابان‌ها، پارک‌ها، مهمانی‌ها و آرایشگاه‌ها آن‌ها را عکاسی کردم و همه‌جا به دنبال رنجی می‌گشتم که بخش بزرگی از زندگی‌ام را از من ربوده بود و حالا در میان زنان اطرافم همان فاصله‌ای را پیدا می‌کردم که آن را عمیقاً زندگی کرده بودم. شاید این پروژه سلف‌پرتره‌های زنی باشد که زنانگی را در جامعه‌اش جستجو می‌کند.



Too Far, Too Close | Sarah Abbasnejad | Ongoing Photo Series | 30x20cm | 2019

"Arbitrary Lines" is a project by the New Media Society and Parking Video Library, which gathers seven lens-based artists who live around the globe.

Their unique and research-based approaches question mass media coverage, representations of the other, and the silent process of marginalization via micro/macro narratives. In these works, the boundaries of intimate stories and personal spaces blur with the manifestation of sociopolitical concerns.

Using various resources from print media, found-footages, and testimonies in public archives to collage and 3D models inspired by advertisements, their multifaceted perspectives reflect fragmented realities and fables, simultaneously. Most importantly, their cameras dare to capture the obscure and elusive lines of segregation and normalization. Hence, the ambiguity within the imaginary allows them to bypass loops of Nostalgia and reveal the vulnerability of the system at the same time.

The visual poetry and peculiar observations of the artists exhibit a wide spectrum of concerns.

"Script for Groundless Images" by Sanaz Sohrabi decodes the affective registers upon which military and media complexes rely for propelling and sustaining a homogeneous narrative of trauma and war. The inclusion of the interviews gathered from the American veterans of the Persian Gulf War and insertion of a fictive character tend to reveal the uncertainty and performativity of the interview as a tool for rethinking and recollection.

Sona Safaei Sooreh's work titled "Revolving" revisits the semi-colonial history of the Iranian Oil Industry via comics, animations, and magazine ads. It seems that new propaganda messages have emerged from the initial British petroleum ads of the 1950s, tinted with a middle-eastern twist and contemporary fictional figures.

The fragments of the video/essay titled "How to leave the History behind & refuse to re-live it every day?" by Nebras Hoveizavi, next to her earlier body of collage works "Trying to read western press" create familiar yet unexplored scenery inspired by poetry and alternative history.

Daily life and the delicate line between childhood and teenage years are presented through a gender-aware lens of Sara Abbasnejad.

In Anahita Hekmat's video, the intimate/mind space appears in the distance between home and its greenhouse. We witness that the past of the present and the imagined future of the past merge.

In Negar Yaghameian's project, the geographical boundaries that once were crucial for human growth are now changing at an unbelievable pace. Independent local shipping and trade which was always part of life in these regions involved human mobility and survival from one generation to another are now threatened by new ways of international trade and shipping. Large ocean-going vessels replace the movement of people and trade with small-sized Dhows. The Smell of Earth and Tree gathers photographs, maps, and other treasured possessions to reimagine these stories, many of which remain untold.

Rendered via found footage under the #earthsound hashtag, Jaleh Nesari's piece on the future of the blue planet appears more and more frightening as its residents are becoming aware of their imposed irreversible manipulations, but their so-called environmental activism often contradicts with their lifestyle and the way their artistic interpretations portray/address the crisis.

The "Arbitrary Lines" is about the existing lines; growing and fading, closing up and moving away-, all shaped by artists into personal, organic, entertaining, and frightening imagery: the ephemeral and delicate traces, captured in frames.

Arbitrary Lines

project of New Media Society and Parking Video Library

Texts & Images by Sara Abbasnejad, Anahita Hekmat, Nebras Hoveizavi, Jaleh Nesari, Sona Safaei-Sooreh, Sanaz Sohrabi, Negar Yaghmaeian & Amirali Ghasemi

Translations by Bahar Ahmadifard

Design Rā Studio

Printing Supervision Studio Tabl > Hossein Soltani

Special thanks to

**Nazila Noebashari, Shirin Mellatgozar & Aaran gallery team,
Bahar Ahmadifard, New Media Projects, Hinterland Gallerie,
Gudrun Wallenböck, Hasty Aria, Mazdak Ayyari, Nastaran Safaei,
Samira Alikhanzadeh & Mr. Kamali**



Curated by Amirali Ghasemi

A project of New Media Society and Parking Video Library

Opening on July 23rd, 2021

On view until August 2nd, 2021

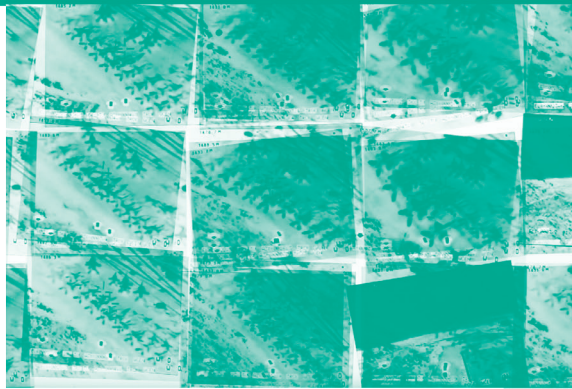
Artists (Alphabetical Order): Sara Abbasnejad | Anahita Hekmat | Nebras Hoveizavi | Jaleh Nesari | Sona Safaei-Sooreh | Sanaz Sohrabi | Negar Yaghmaeian

The English version of this publication is available via the following link:
www.newmediasoc.com/projects/arbitrary-lines-in-tehran/

Or simply scan here:



Arbitrary



Lines